

پروش کا ہندم انانی و مقامات فرنگی

تاکور و ایران

- تاکور و ایران / محمد گلبن
- خوش آمدی رابیندرانات / علی اکبر دھخدا
- ہدیہ تاکور / محمدتقی بہار

سرزمین پهناور هند شعرا و عرفای زیادی در دامان خود پرورش داده است بسیاری از گویندگان نام آور آن با گویندگان فارسی زبان ما وجه اشتراک نزدیک دارند. در سرزمین هند زبان فارسی مقام والائی داشت.

گرچه هنوز هم در هند و پاکستان زبان و فرهنگ فارسی جای خاصی دارد. اما گویندگانی چون رابیندرانات تاگور هم آثار خود را بزبان انگلیسی خلق کرد. از گویندگان انگلیسی زبان مردم هند کمتر گوینده‌ای را سراغ داریم که آثارش در ایران به اندازه آثار تاگور به فارسی ترجمه شده باشد. تاگور شیفته ایران و فرهنگ ایران بود ظاهراً تاگور در جوانی به آموختن زبان فارسی پرداخته و به حافظ عشق می‌ورزیده است. حال تا چه اندازه او با زبان شیرین فارسی آشنائی داشته درست معلوم نیست.

تاگور قبل از آن که در سال ۱۳۱۱ شمسی برای نخستین مرتبه به ایران بیاید سفری به مصر رفته بود و ادبای ایران که با زبان عربی آشنائی داشتند از چگونگی سفر تاگور به مصر اطلاع داشتند. به همین علت ادبای ایران، دوست داشتند که تاگور که یک شاعر و هنرمند معروف هند است به ایران هم سفری بکند. در سال ۱۳۱۰ شمسی از تاگور دعوت به عمل آمد. و او در روز ۲۴ فروردین ۱۳۱۱ شمسی وارد بندر بوشهر شد. تاگور قریب دو روز در بوشهر ماند و عازم شیراز شد. از طرف دولت ابوالحسن فروغی برادر محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و از طرف

انجمن ادبی ایران استاد ملک الشعراء بهار از تهران برای استقبال از تاگور به شیراز رفتند. در همان ایام که تاگور وارد ایران می‌شد. دولت ایران مایل بود که پارسیان مقیم هند هر چه بیشتر به سرزمین پدری رفت و آمد داشته باشند. ورود تاگور را زمان مناسبی برای ورود یک هیئت اقتصادی پارسیان یافتند. و از یک هیئت اقتصادی پارسی دعوت رسمی به عمل آوردند.

ریاست این هیئت را «دین شاه ایرانی» به عهده داشت. این هیئت را یک نفر مترجم ایرانی که سالها در هند تحصیل کرده بود همراهی می‌کرد. عبدالحسین سپنتا به عنوان مترجم با تاگور و همراهان او وارد ایران شد. این هیئت به همراه تاگور از بوشهر عازم شیراز شدند و نخست به بارگاه حافظ قدم گذاشتند. عبدالحسین سپنتا شرح دیدار تاگور را از بارگاه حافظ قلمی کرده است و آورده که تاگور چند تفأل از دیوان خواجه زد و من هر تفالی، که می‌آمد برای تاگور به انگلیسی ترجمه می‌کردم. سپنتا پس از شرح بازدید تاگور از شیراز مثنوی زیبایی ساخته که درجهٔ ارادت تاگور را به حافظ و ایران در آن مثنوی نشان داده است.

تاگور و دو هیئت همراه او که یکی یک هیئت ادبی بود و دیگری یک هیئت اقتصادی از شیراز عازم اصفهان شدند. قرار بود چند روز در اصفهان توقف کنند و عازم تهران بشوند. اما جذابیت و زیبایی شهر اصفهان چنان تاگور را مسحور کرد که قریب ده روز در اصفهان بماند و باز دل از دیدار اصفهان بر نمی‌کند. «همراهان نزدیک تاگور عبارت بودند از عروسش بنام پراتیما PRATIMA و منشی او چاکراوراتی و دین شاه ایرانی رئیس انجمن زردشتیان ایران در بمبئی که با همسر و خواهر زنش همراه تاگور بود. اعتمادالدوله قوه‌گزلو وزیر فرهنگ و معاون الدوله غفاری معاون وزارت امور خارجه و جمعی از اعضاء انجمن ادبی ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی در باغ نزهتیه در شهر ری از تاگور استقبال کردند. تاگور در ایام اقامتش در ایران دو سخنرانی ایراد کرد یکی در تالار مسعودیه و یکی در انجمن ادبی ایران خطابه‌های او را محسن اسدی ترجمه می‌کرد. تاگور در دو خطابه‌اش چند بار گفت من ایرانی هستم و نیاکانم از این سرزمین به هندوستان مهاجرت کردند و سرورم که بوطن اجداد خود آمده‌ام. و علت این همه محبت به من همین وحدت نژادی و فرهنگی است و سبب مسافرت من با وجود کهولت و ضعف مزاج و مشکلات سفر همین یگانگی و عواطفی است که من به ایران دارم. نه دیگر.» (صدیق اعلم سالنامه دنیا سال ۲۱ ص ۲۰۰) تاگور و دو هیئت همراه او روز ۵ شنبه هشتم اردیبهشت به تهران رسیدند. و در نزدیکی تهران شعرا و ادبای بزرگ کشور از آنان استقبال گرمی به عمل آوردند. پس از ورود دو هیئت به تهران هیئت ادبی را انجمن ادبی ایران عهده دار پذیرائی شد و هیئت اقتصادی را مراکز اقتصادی. در حقیقت مهمان‌دار تاگور و هیئت همراه او جنرال کنسول ایران جلال الدین کیهان بود که از بمبئی همراه هیئت به ایران آمده بود و تا زمان بازگشت



● رایسندزانات ناگور در کالج آمریکایی‌ها به همراه دکتر جردن

● تاگور در مسافرت به ایران. سید نفیسی، دهخدا و دیگر بزرگان اهل قلم دیده می‌شوند.



همه جا همراه هیئت بود.

تاگور و همراهانش در این سفر قریب ۱۶ روز در ایران ماندند و چون تاگور باید به اروپا می‌رفت برای بازگشت به هند عازم بغداد شدند. هیئت همراه تاگور به اتفاق جنرال کنسول ایران از بغداد به هند رفتند و تاگور نیز عازم اروپا شد.

تاگور در سفر اول به ایران چند خطابه به زبان انگلیسی ایراد کرده متن ترجمه خطابه‌های او در روزنامه ایران و اطلاعات به چاپ رسیده است.

مردم تهران از صنوف مختلف مقدم تاگور را گرامی می‌داشتند و در هر محفل و مجلسی که از این هنرمند و شاعری هند دعوت به عمل می‌آمد شرکت می‌کردند.

پس از بازگشت تاگور به هند دولت ایران استاد «پور داود» زنده‌کننده کتب و فرهنگ زردشتیان را مأمور کرد که به هند برود و کار تدریس زبان پهلوی را در آن کشور دنبال کند. استاد پورداود قبلاً مدتی را در هند زیسته بود و با خوی و خصلت مردم شریف هند آشنائی داشت. تاگور در این سفر که به ایران آمد نمی‌دانست که ادبای ایران تا چه اندازه با آثار او آشنائی دارند. زیرا هنوز در آن ایام زبان انگلیسی این همه در کشور ما رایج نبود و ترجمه آثار بزرگان بیگانه را ایرانیان از عربی و فرانسه به فارسی ترجمه می‌کردند. استاد محیط طباطبائی در خطابه‌ای که در انجمن ادبی ایران و هند درباره خاطراتش از تاگور ایراد کرده است آورده که آثار تاگور را برای نخستین بار در ایران بزرگ علوی از زبان آلمانی و فرانسه ترجمه کرده و در روزنامه‌های رشت به چاپ رسانیده است. در اولین سفر تاگور به ایران، ادبای کشور این مهم را به نظر تاگور رسانیده بودند.

در اولین سفر تاگور به ایران شعرا و ادبای نام آوری با قلم توانای خود تاگور را ستودند. بعضی از اهل قلم مقالاتی در بزرگداشت و مقام والای او نوشتند و برخی از گویندگان بزرگ مانند استاد دهخدا، ملک‌الشعراء بهار، استاد رشید یاسمی، عبدالحسین سپنتا و دیگران قطعات منظومی در بزرگداشت او سرودند که چند بیت از منظومه هر یک را در زیر مطالعه می‌فرمائید. استاد بهار یک مثنوی نسبتاً طولانی به عنوان «هدیه تاگور» ساخت که در دیوان او جلد دوم که به کوشش چهارزاد بهار منتشر شده در ص ۱۸۲ - تا ۱۸۵ آمده است. چند بیت آن را در زیر مطالعه فرمایند

ساخت یکی چنگ به روز ازل
بسته بر او پورده موزن نور
سریه او چاره بسیچارگان

دست خدای احد لم یسزل
بافته ابیریشمش از زلف حور
نغمه او رهبر آوارگان



● تاگور پر سر مزار حافظ بهار (۱۳۱۱ به همراه دینشاه ایرانی

تا که در این عصر نوین بی درنگ
ذات قدیمی پی بست و گشاد
چونکه بزد چنگ بر آهنگ راست
ناله عشاق برآمد ز چنگ

در بر «تاگور» نهادند چنگ
قوس هنر در کف «تاگور» نهاد
نغمه اصلی ز دل چنگ خاست
پر شد از او هند و عراق و فرنگ

طبع تو چنگ است و خرد زخمه اش
سال تو هفتاد و خیالت نو است
هر که ز یزدان به دلش نور تافت

شعر بلند ازلی نغمه اش
زان که ز یزدان به دلت پرتو است
در دو جهان دولت جاوید یافت

سی صد و ده چون که گذشت از هزار
جانب بستگاله فرستادمش
تا آخر که می فرماید:

گفته شد این شعر خوش آبدار
«هدیه تاگور» لقب دادمش

هدیه ایران بپذیر از بهار

ای قلمت هدیه پروردگار

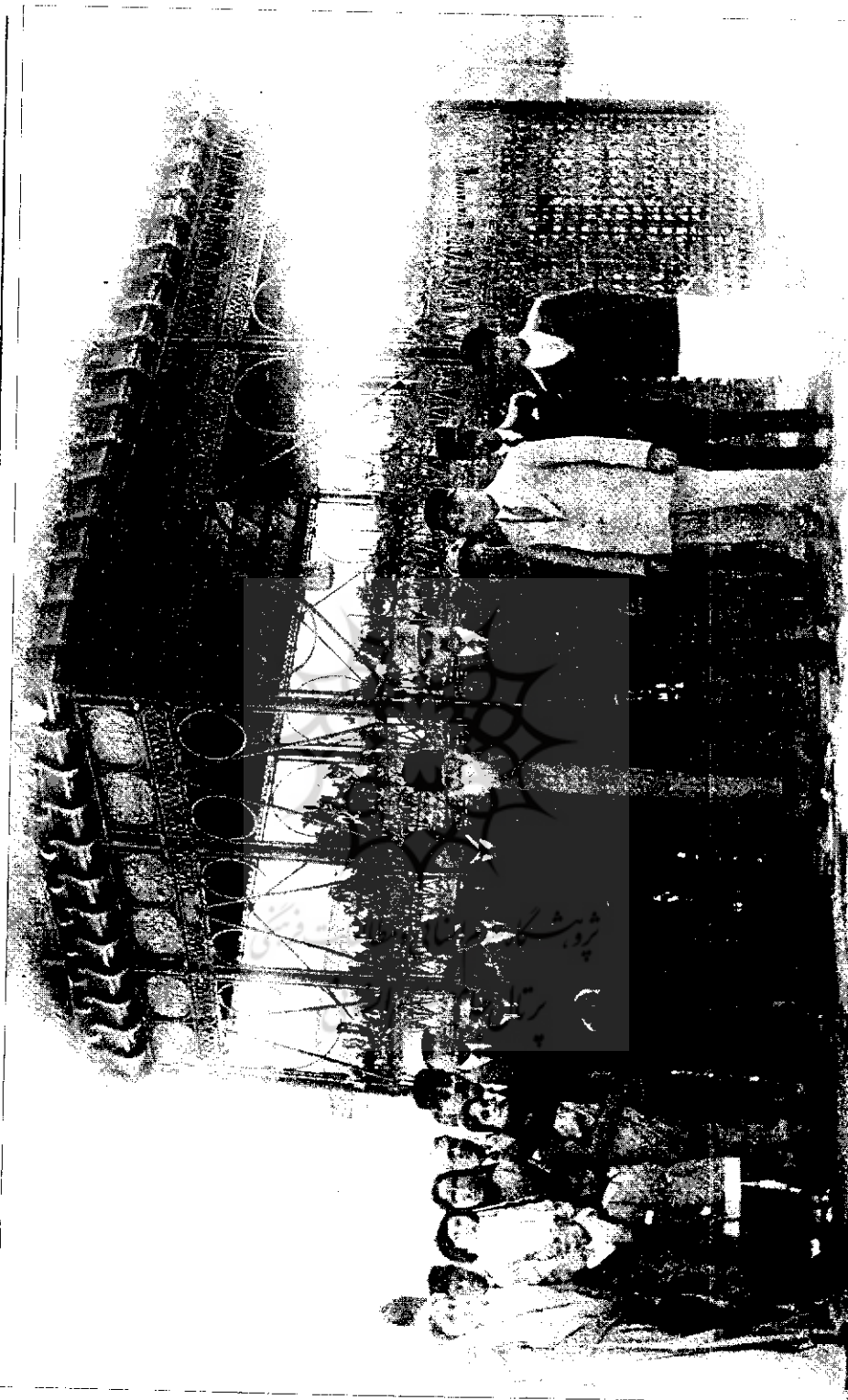
مثنوی استاد بسیار زیباست و مجال سخن کوتاه والا همه آن را به خوانندگان گرامی هدیه می‌داشتیم.

زنه یاد رشید یاسمی استاد شریف دانشگاه تهران قصیده زیبایی در تجلیل از مقام تاگور دارد که چند بیت آن را در زیر مطالعه می‌فرمائید.

تجلیل از تاگور

درد بساد به آن شاعر بلند مقام
گزیده شعرا مفاخر ادب تاگور
یگانه مهر درخشان شرق کز نورش
چو آفتاب ز آفاق شرق تابان شد
ترانه‌های دل‌انگیز او بهر روزی
به هیچ جای چنان قدر تو به نشناسند
ز داروی سخنت جان دردمند بشر
به جشن هفتاد از عمر تو بیباستی
چو راه دور مرا زین طواف دارد باز
کزو بسالد فخر و بدو بنازد نام
که کشور سخن از وی گرفت نظم و قوام
زدوده گشت جهان سخن ز رنگ ظلام
وز او گرفت همه غرب روشنائی وام
هزار خاطر آشفته را کند آرام
که در قلمرو سعدی و کشور خیام
نجات یابد از آسیب محنت ایام
که سوی هند از ایران به بستی احرام
بدین قصیده فرستم تو را درود سلام

● تاگور به همراه دینشاه ایرانی و همراهان در حافظیه (بهار ۱۳۱۱)



دل «رشید» ز آثار فکر تو روشن بسان طبع تو شادان و خرم و پدram
و نیز دکتر لطف علی صورتگر شعر زیبایی خطاب به تاگور سرود و به او هدیه کرد چند بیت
آن را در زیر مطالعه بفرمائید.

نسیمی بجنیبد از کوهسار
بسان دل عاشقان بیقرار
ز صبح جوانی دل انگیزتر
ز باز شکاری سبک خیز تر

سبکبال و دیوانه کردار و مست
چمن دید از جور وی تنگدست
به گلشن فرود آمد از تیغ کوه
نه در لاله رنگ و نه در گل شکوه

بپرسید از آن دلریسان برآز
رخ افروز باغید و با برگ و ساز
که از چیست در این نهرانخانه اید؟
در این گوشه تنگ بهر چه اید؟

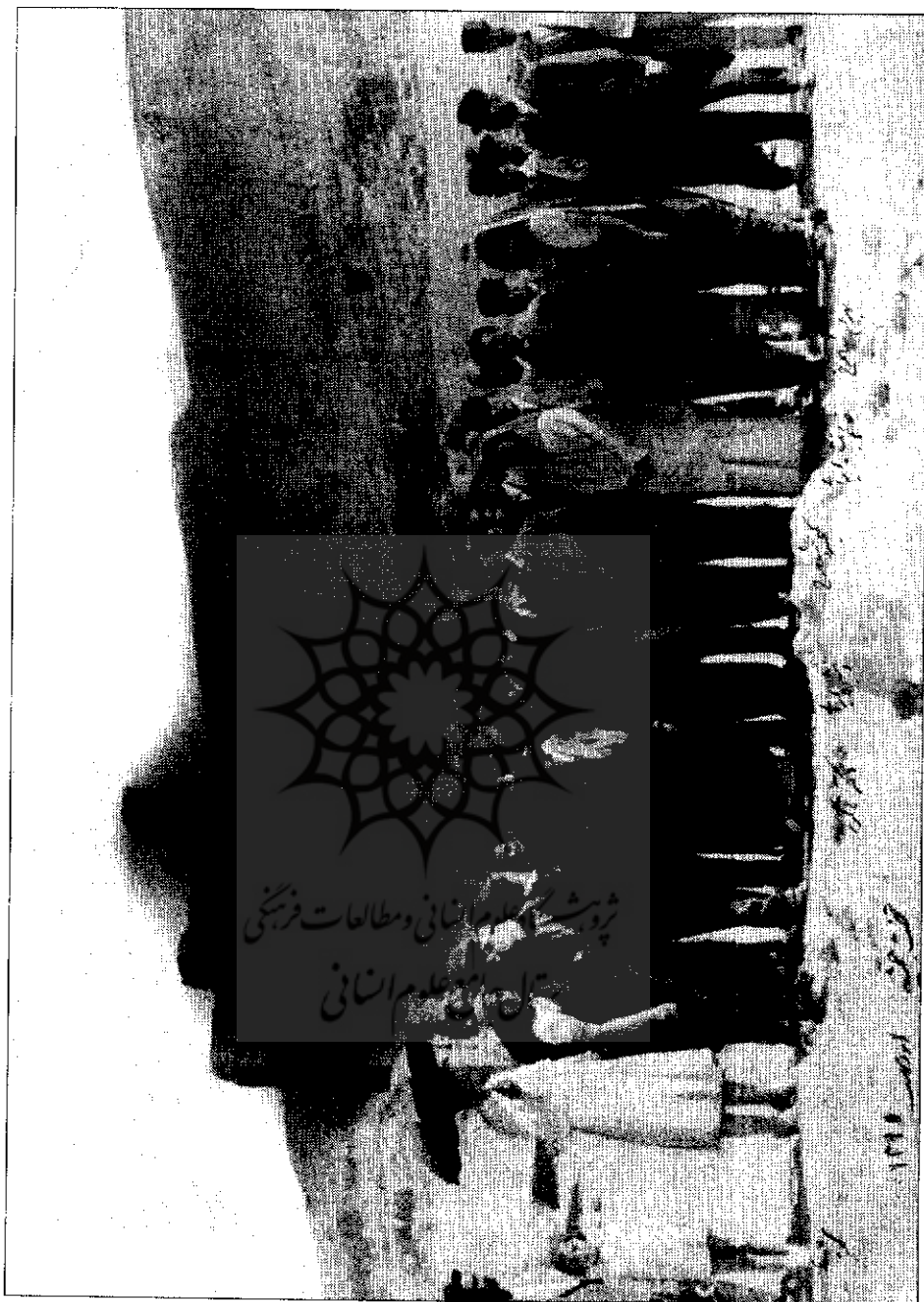
برآشفت از آن گفته با گل نسیم
که خود وار هند از غم و ترس و بیم
که ایمن ناپسند آید از دلبران
فسرامش کنندهنده دیگران

سخن گسترای که اشعار تو
اثرهای طبع گهر بار تو
پیامی ز عشق و جوانی دهد.
دل خسته را شادمانی دهد.

ابیاتی چند از سروده دکتر لطفعلی صورتگر را ملاحظه فرمودید. اگر بخواهم از همه آثاری که در بزرگداشت تاگور سرود و نوشته‌اند حتی خلاصه‌ای را نقل کنم خود رساله‌مطولی خواهد شد. بنابراین از پرداختن به آثار عبدالحسین سینتا و دیگران در می‌گذریم.

تاگور بعد از سفر اول که در سال ۱۳۱۱ ش به ایران آمد. دولت ایران سال ۱۳۱۳ را اختصاص به هزاره حکیم طوس داده بود و از بیشتر بزرگان و دانشمندان آسیای اروپایی، آمریکائی دعوت به عمل آورد بود که در آن جشن شرکت جویند از آن جمله باز تاگور یکی از مدعوین بود که به ایران آمد. دانشمندان ایران مقدم او را باز گرامی داشتند. او نیز در افتتاح آرامگاه حکیم طوس شرکت کرد. بزرگانی چون علامه علی اکبر دهخدا، دکتر ولی اله خان نصر، دکتر سیاسی و بزرگان دیگر کشور از او پذیرایی گرمی به عمل آوردند و او بعد از چندی به کشورش مراجعت کرد.

تاگور در اولین سفری که به ایران آمده بود به مرز هفتاد سالگی رسیده بود. در مزار حکیم طوس ۷۳ سال از روزگار عرش می‌گذشت. تاگور بیش از هشتاد سال و چند ماه عمر نکرد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. دولت هند در سال ۱۹۶۰ مقدمه جشن ۱۹۶۱ میلادی جشن



یکصدمین سال تاگور را فراهم کرد و یکصدمین سال تولد او را برگزار کرد. علاوه بر هند در بیشتر کشورهای جهان بمناسبت یکصدمین تولد او جشن‌های مفصلی برگزار کردند. از جمله سفارت هند در ایران و دولت ایران جشن بزرگی در دانشگاه تهران به همین مناسبت برگزار کرد. از طرف شورای دانشگاه تهران چند تن از استادان برای شرکت در این جشن به هند رفتند. دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شماره دوم سال ۹ مجله خود را (شماره مخصوص تاگور) نام نهاد و منتشر کرد.

چاپار

پیشرو در ارائه

خدمات کتابداری و اطلاع رسانی

- فروش تجهیزات کتابخانه‌ای (لوازم چوبی، کاغذی و فلزی) با کیفیتی مطلوب و استاندارد
- تهیه منابع اطلاعاتی (کتاب، نشریه، نرم افزارهای کتابخانه‌ای) داخلی و خارجی
- ارائه خدمات فهرستنویسی، نمایه‌سازی، چکیده نویسی و آماده سازی منابع اطلاعاتی
- طراحی و راه‌اندازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی



آدرس: تهران - خیابان ولیعصر(عج) - بالاتر از میدان ولیعصر(عج) بعد از تقاطع خیابان زرتشت
 کوهپه شهید نوربخش - پلاک ۴۰ - تلفن: ۸۸۸۹۹۶۸۰ - دورنگار: ۸۸۹۰۳۷۶۹
www.chaparlhb.com